

NO DATA
NO DATA
NO DATA
NO DATA
NO DATA
NO DATA

NO DATA

NO DATA

خوشنویسی

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد به‌خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه ی شخص باشد§ گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است§ به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویسی افزون بر نگارش یک متن سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند§§ از این رو خوشنویس با نگارش سادهٔ مطالب و حتا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است§ همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تاپیوگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد§ خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است§ خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهندهٔ آن§ تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و بویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد§ اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر برخوردارند§ آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود§ در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به‌منزله نادیده گرفتن توافقی چندصدساله‌است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می‌آمده‌است§ حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخصی تعیین می‌شده که در «رسم‌الخط»ها و «آداب‌المشق»ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده‌است§ قرارگیری کلمات نیز یعنی «کرسی» هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش‌بینی و تکلیف شده که ناممکن بوده‌است اما به‌شکل «سلیقه مطلوب» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است§

خوشنویسی اسلامی خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته‌است§ زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند§ آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به‌کار می‌بردند§§ خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است§ مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند مجوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده‌است§ خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده‌است§ قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی‌طالب منسوب است§ پی از قرن پنجم هجری خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه‌دار خط کوفی منحنی و قوس‌دار است§§۶ در اوایل قرن چهارم سال ۳۹ هجری قمری ابن مقفله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سته معروف شدند که عبارتند از§§ محقق ریحان ثلث نسخ رقا و توفیع§ که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد§ همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازده‌گانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از§ ترکیب کرسی نسبت ضعف قوت سطح دور صعود مجازی نزول مجازی اصول صفا و شأن§§۷ یک قرن بعد از ابن مقفله ابن یواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود§§۸

خوشنویسی ایرانی درحالی که عمدهٔ تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده‌است رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند§ هرچند این شیوه‌ها و قلم‌ها ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه افغانستان پاکستان و هند می‌باشد§ در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است§ در ایران پس از فتح اسلام خطاطی به شیوهٔ نسخ وجود داشت§ در زمان حکومت ایلخانیان اوزاق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزینتی زینت یافت§ در زمان حکومت تیموریان در ایران خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید§ میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق خط نستعلیق را بنیان نهاد§ مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسقر میرزا بود§§۹ آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار قطعات ظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و به‌کار رفته‌است§ این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته‌است§ هرچند آنان نیز برای امور منشی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر به‌کار می‌بردند اما اوج هنرمنایی آنان بر خلاف خوشنویسی ایرانی در خط ثلث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است§ در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن با احادیث و روایات و همچنین کتیه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد§ هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند§ خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست§ خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هشتم پا به عرصه گذشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقا و به وجود آمدن و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود§ که بعدها به وسیله خواجه عبدالحی منشی استر ابادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد§§۱۰ پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود§ در قرن هشتم میرعلی تبریزی §۸۵ هجری قمری از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام سنسختعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد§ این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید§§۱۱ و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید§ خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان§ که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد§ بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست§ در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد§ علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور منشی‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست§ همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت شکسته تعلیق آن‌را نیز بوجود آوردند§§۱۲ درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند§ در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد§ از یک سو با تأکید و توسعه سیاه‌مشق نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد§ در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی حت را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشیخط را به‌وجود آوردند که گامکان مورد توجه محافل هنری جهان است§ در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۳۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت§ همچنین خطی به نام معلی در سال‌های اخیر با تأثیر از خطوط اسلامی ایرانی ثلث و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید عجمی ابداع گردید که تاحدی مورد استقبال قرار گرفت§ آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می‌توان به ابداعات خوشنویسی سیحان مهرداد محمدپور اشاره کرد خط سیحان یک خط قانونمند همانند نسخ و ثلث بوده و قابلیت کتابت و کتیه نویسی فارسی و عربی را دارا می‌باشد و آن را در دسته ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند§

فن الخط فی الخط وهو نوع من الفنون البصرية وهو غالبا ما يطلق علی فن الكتابة الخط العربي هو §فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معينة ومتناغمة وماهرة§
§۱۹۶۶§§§§ قصة الکتابه هي واحدة من التطور الجمالي متعدد في إطار المهارات التقنية وسرعات الانطلاق وتحديد المواد الزمان والمکان من الشخص §۱۹۶۸§§۴۴۱ ویوسف نمط معين من الکتابه بأنه نصي أو نسخ أبجدي§فریزرو ۲۰۰۶ جوستون §۱۹۰۶§ بلايت §۶ تراوح الخط الحديث من کتابات وتصاميم خط اليد الوظيفي إلى القطع الفنية حيث التعبير المجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو لا تحل محل قراءة الحروف

پہرانا ہونا پرانا ہونائی آرٹ بنیائے آرکیٹیکچر ہانڈے نے مورخان وچ دسد اے نے ایس نے یورپ نے ایشیا، وچ پاکستان تک اپنے رنگ چھڈے نیس ہونو ہونو ہونائی ہانڈے وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں وڈاں نے نمونیاں وچ بندے سیس ہانڈے جتان وچ مرتبیاں نے پلبلیاں نے عام زندگی دیاں مورخان بنیاں ہونو ہونو ہونائی ہانڈے آرکیٹیکچر پھریں شایں ساڈگی نے سوہنی وچ اپنی ادارن آپ اے پرگاموں وارٹھنی بیفسنڈیا مندر ویکھی والیاں تھانواں ہونو ہونو ہونائی ہانڈے وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں وڈاں نے نمونیاں وچ بندے سیس ہانڈے جتان وچ مرتبیاں نے پلبلیاں نے عام زندگی دیاں مورخان بنیاں ہونو ہونو ہونائی ہانڈے آرکیٹیکچر پھریں شایں ساڈگی نے سوہنی وچ اپنی ادارن آپ اے پرگاموں وارٹھنی بیفسنڈیا مندر ویکھی والیاں تھانواں

اسلامی خطاطی اسلامی خطاطی: یہ ایک فن ہے جو لکھنے سے تعلق رکھتا ہے بالخصوص عربی حروف خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن
اس فن کو اسلام سے جوڑ دیا گیا اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہوتا ہے اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر اور حفظ
اس فن کو فروغ دینے میں کامیابی ملی۔ یہ فن عربی زبان ہی میں نہیں بلکہ فارسی ترکی اردو آذری زبانوں میں بھی عام ہے

مساجد اور خطاطی: ترمیم اسلامی مسجد خطاطی: یہ بھی اسی فن کا ایک جز ہے مسجود کی میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے مساجد میں قرآنی آیات میناروں پر گنبدوں پر اندرون گنبد پر قرآنی کلمات کا لکھا جانا فن تعمیر فن خطاطی کا ایک مرکب ہے

عربی زبان عربی العربية ۱۱ یا عربی لغة عربية ۱۲ سامی زبانوں میں سب سے بڑی ہے اور عبرانی اور آرمی زبانوں سے بہت ملتی ہے جدید عربی کلاسیکی عربی زبان فصیح عربی یا اللغة العربية الفصحی کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے فصیح عربی قدیم زمانے کی زبان ہے بہت ترقی یافتہ شکل میں تھی اور قرآن کی زبان یونے کی وجہ سے زندہ ہے فصیح عربی اور بولے جانے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے بولے جانے والی اردو اور اردو میں فرق ہے عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مثلاً اردو، فارسی، ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا ہے اور ان زبانوں میں عربی کے بے شمار الفاظ موجود ہیں عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی وجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں عربی کے سب سے پہلے آج کل پائے جانے ہیں مثلاً مصری، شامی، عراقی وغیرہ پورے ملک تمام لہجے میں بولنے والے ایک دوسرے کی بات بھی سمجھ سکتے ہیں عربی کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے یہ علاقے سے بنائیں لکھی جاتی ہے اور اس میں مزہ سمیٹ حروف تہجی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے

اس طریقہ سے اگر ہم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کے جائزہ لیں تو ۱۱۱۱ بنتے ہیں بعض اہل علم ہمہ ۱۱۱۱ سے بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں اس حساب سے پھر عربی کے انتہی حروف تہجی بنتے ہیں اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں اردو میں ہمہ سمیت کل ۲۸ حروف ہیں اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی حروف کی جاتی ہیں مثلاً بھ وغیرہ اردو میں فن تاریخ گوئی کی صنف موجود ہے جس میں اشعار یا ابنا مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ برآمد کی جاتی ہے اردو میں حروف کے اعداد اور ابجد

جیسے ہی ہیں اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے مثلاً پ کے اعداد ب کے برابر د کے اعداد د کے برابر گ کے اعداد ک کے برابر اور ے کے اعداد ی کے برابر شمار کیے جاتے ہیں